

نشریه ادبیات پایداری

دانشکده ادبیات و علوم انسانی
دانشگاه شهید باهنر کرمان

سال ششم، شماره دهم، بهار و تابستان ۱۳۹۳

جلوه‌های ادبیات پایداری در کلام امام خمینی (ره) * (علمی- پژوهشی)

دکتر محمدرضا نجاریان
دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه یزد

چکیده

ادبیات پایداری، برجسته کردن پیام‌های انسانی از جمله آزادی، حق خواهی، عدالت طلبی، ظلم ستیزی، وطن دوستی، ایثار و استقامت است. در این نوع ادبیات شاعر یا نویسنده با زبان، رفتاری فراهنجار دارد. او به دنبال زبانی است که با همه مردم جهان گفتگو کند؛ لذا پیام‌های انسانی حادثه ای چون جنگ را درونی می‌کند و به جهان ارائه می‌کند. مبارزه جدی و آشتی ناپذیر امام خمینی (ره) برابر دو عنصر «استبداد داخلی» و «استعمار خارجی» با انگیزه ادای تکلیف و جلب رضای حق تعالی، بر سه رکن اساسی اتکال به خدا اعتماد به مردم و اعتماد به نفس متکی بود. پیام‌های امام که دل‌های مبارزان را گرم و آتش مبارزه را روشن نگه داشته است، سه ویژگی اساسی دارد: ۱- برانگیزنده حق، ۲- هدایت و ترسیم خط انقلاب، ۳- ثبت دقیق تاریخ و قیام و مبارزه مردم. عناصر پنج‌گانه استراتژیک امام عبارتند از: ۱- تغییر ذهنیت ملت، ۲- خط‌مشی و جهت‌دهی به ملت ایران، ۳- منزوی کردن مخالفان ملت، ۴- خنثی‌سازی اقدامات آمریکا، ۵- اعتباربخشی و اعتبارسازی برای جمهوری اسلامی. در این مقاله سعی بر این است تا با توجه به مبانی ادبیات پایداری، جلوه‌های ادبیات پایداری را در کلام امام خمینی (ره) تحلیل کنیم.

واژه‌های کلیدی: ادبیات، پایداری، قیام، دشمن، امام خمینی (ره).

۱- مقدمه

مقاومت، نخستین بار در سال ۱۹۶۶ در ادبیات فلسطین توسط نویسنده و منتقد فلسطینی غسان کنفانی در اثری به نام «ادبیات مقاومت در فلسطین اشغالی» مطرح شد. در هر یک از آثار مقاومت، نوعی مبارزه علیه امپریالیسم فرهنگی به چشم می‌خورد که از نظر ارزش، کمتر از مقاومت مسلحانه نیست (اسکندری، ۱۳۷۶: ۱۳۹). ادب مقاومت از نوع ادب متعهد و سیاسی است و در تعریف ادب سیاسی گفته‌اند: شاعر و ادیب سیاسی بر مبنای تعهد و بر اساس درک رسالت و مسئولیت به تولید ادبی می‌پردازد و هیچ نظر به پاداش و تشویق‌های دنیوی ندارد؛ از این رو، محتوای ادب مقاومت بیان تلاش‌ها، اخلاص‌ها، ایثارها، رزم‌ها و محرومیت‌ها و مظلومیت‌های ملتی است که برای دفع تجاوز نظامی، فرهنگی، دینی، سستی و ملی دشمنان قد برافراشته است و در این مسیر، رنج دیده و حرمان کشیده است. می‌توان گفت که ادب مقاومت به مقتضای چهره ملی و بر حسب مناسبات مبارزاتی و شکل تهاجم دشمنان و هدفگیری آنها و نوع مبارزه امت برای دفاع از کیان خود متنوع است (آیینه‌وند، ۱۳۷۰: ۳۴).

۱-۱- بیان مسأله

فرضیه این است که امام خمینی با توجه به مبانی ادبیات پایداری چه مبنای عقلی - استدلالی چه دینی - اعتقادی، معتقد بود که بقا و دوام همیشگی احکام اسلامی امکان پذیر نیست مگر با ایجاد حکومت اسلامی و این خداوند سبحان است که از ما می‌خواهد در مقابل کفر و زندقه و ستم و ستمکاران ایستادگی کنیم. ما در این مقاله به این سؤال پاسخ می‌گوییم که ادبیات پایداری در کلام امام با تحولات گوناگون سیاسی و اجتماعی چگونه جلوه کرده است؟ پس از بیان منشأ ادبیات مقاومت، مبانی ادبیات پایداری امام (ره) را ذکر کرده، استراتژی مبارزاتی آن حضرت را در رویارویی با استبداد، به عنوان ادبیات پایداری یا پیش شرط‌های این ادبیات مطرح می‌کنیم.

۱-۲- پیشینه تحقیق

کاظم قاضی زاده (۱۳۷۷) در کتابی با عنوان «اندیشه‌های فقهی-سیاسی امام خمینی» به مبانی معرفتی و اعتقادی اندیشه‌های سیاسی امام و نیز به مسایل و محورهای مهم در دیدگاه‌ها و اندیشه سیاسی امام پرداخته است. نجف لک‌زایی نیز در کتاب «سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی» (۱۳۸۳) در شش فصل به مفهوم دین و سیاست، ماهیت اندیشه سیاسی، نظریه‌های نظام سیاسی، اندیشه سیاسی انقلابی اصول ثابت در اندیشه سیاسی، کلام سیاسی پرداخته است. رضا عیسی‌نیا در مقاله «امام و ادبیات پایداری» (۱۳۸۵) مسائلی چون مبانی ادبیات پایداری امام، مؤلفه‌های ادبیات پایداری امام و موانع ادبیات پایداری را مطرح نموده است. در این مقاله سعی داریم محورهای محتوایی پیام‌های امام، محورهای اصلی شعارها و مشخصه‌های پیام آن حضرت را تبیین کنیم.

۲- بحث

۱-۲- منشا ادبیات مقاومت

کلمه ادب المقاومة یا ادب مقاومت در عالم اسلام خصوصاً الجزایر رایج شد. بعداً در جریان مبارزات ضد صهیونیستی مردم مسلمان و مقاوم فلسطین کارهای ادبی و تولیدات شعری نمایان تر و چشمگیرتری پدید آمد که شاید بهترین آن «ادب مقاومت» غالی شکری است که توسط نویسنده توانا، سید محمد حسین روحانی، با خامه ای شیوا ترجمه شده است. ادیب یا شاعر مقاومت، پاسدار ارزش‌هایی است که دو نقش دارد: ۱- شناخت حوزه مقاومت امت و اطلاع از توانمندی‌های آن و نیز دستیابی به ضعف‌ها و مواضع ضربه پذیر و سست دشمن مهاجم. ۲- سکاننداری رسالت بلاغ و گرم نگهداشتن کانون مبارزه تا پیروزی و دفع خطر. شکی نیست که اوج مقاومت همگانی یک امت زمانی رخ می نماید که آن امت یا از درون درگیر مبارزه با دشمنان حاکم بر سرنوشت خود است و یا از برون دچار تهاجم و تجاسر دشمنان دیگر شده. اگر پرسند آیا ادب مقاومت غایتی تعالی جو دارد، می‌گوییم آری؛ غایت آن، شکستن سدها و برداشتن موانع

ضدّ تعالی انسانی است و در یک سخن به تعالی می‌اندیشد، نه به مبارزه و ستیز (آینه‌وند، ۱۳۷۰: ۷۹).

۲-۲- عناصر ادبیات اعتراض، پرخاشگر یا پایداری

۱- توده مردم: ادبیات مقاومت، متعلق به عصر ملت‌هاست که اگر آغاز آن را انقلاب فرانسه فرض کنیم، بیش از ۲۰۰ سال از عمر آن نمی‌گذرد.

۲- تحولات اجتماعی: ممکن است با تجاوز بیگانگان به مرزهای جغرافیایی یک کشور پیدا شوند. ممکن است به شکل استبداد محض باشد یا حاکمیت فردی وابسته به قدرتهای خارجی. در کنار اینها، حرکت‌های مردمی نهادهای سیاسی، ساختارهای اجتماعی و رهبری است که با خشونت داخلی؛ یعنی انقلاب همراه می‌گردد.

۳- پیشروان فکری جامعه: الف) نطفه ادبیات مقاومت در بستری از رویدادهای اجتماعی بسته می‌شود. ب) ادبیات مقاومت را مردم و پیشروان فکری جامعه می‌آفرینند. ج) ادبیات مقاومت به وسیله مردم رشد می‌یابد و نضج می‌گیرد (مجموعه مقاله‌ها، ۱۳۷۳: ۶۱).

۲-۳- ادبیات انقلاب

ادبیات انقلاب، حماسه خونین هفده شهریور است. حماسه دانش‌آموزانی است که روی نیمکت مدارس در کنار معلمشان در زیر رگبار گلوله و موشک دشمن جان دادند؛ گورهای دسته‌جمعی است که در دزفول و سایر گلستان‌های شهدا، چشم هر انسانی را می‌گریاند. شهدای بی‌شمار دشت عباس است؛ دست‌های جوانی است که در غرب، بر ضامن نارنجک یخ زد. سفره‌های عقدی است که چیده نشد، برچیده شد (مجموعه مقاله‌ها، ۱۳۷۳: ۴۱۰).

بی‌شک، سهم حضرت امام در میدان ادبیات انقلاب بسیار بزرگ است. آنچه از قلم و زبان امام می‌جوشید و می‌تراوید، تبدیل به عشق و ایمان می‌شد و در قلب‌ها و قالب‌ها نفوذ می‌کرد. بیان او فرهنگ می‌شد و سخنش قانون؛ با این همه، بلاغت کلام، جادوی سخن و افسون قلمش، اوج‌ها و عمق‌ها داشت و نثرش زنده، امروزی و جوان، گرم و خون‌ساز، روشن و روشنگر بود. چون تیغ می‌برید؛ همچو

باران سیراب می کرد؛ همچون خورشید گرما می بخشید؛ همچون دریا ژرف و موج بود؛ همچون آینه تصویرگر حقیقت بود؛ به حکمت لقمان می مانست؛ در عمق و اصالت و دلنشینی، به ذوالفقار علی (ع) شبیه بود؛ در قاطعیت و دشمن شکنی، به مواعظ پیامبر شباهت داشت.

۲-۴- ادبیات مقاومت در انقلاب

۱- شعارهای اولیه انقلاب ویژگی های ادب عامه داشت؛ یعنی وزن های ساده، ابیات کوتاه و سروده های آهنگین:

ای شاه خائن، آواره گردی خاک وطن را ویرانه کردی
کشتی جوانان وطن، الله اکبر کردی هزاران تن کفن، الله اکبر

۲- پس از پیروزی، سروده ها از اصالت توحید ریشه می گرفت و توانست به عرصه عبادات و مناسک اجتماعی کشانده شود؛ حتی در تعقیبات نمازها: الله اکبر الله اکبر خمینی رهبر، مرگ بر ضد ولایت فقیه، درود بر رزمندگان اسلام، سلام بر شهیدان، مرگ بر آمریکا، مرگ بر اسرائیل.

۳- در جنگ تحمیلی (۱۳۵۹): آنچه ایستادگی مردم را در برابر دشمن خارجی نمایان ساخت، به شکل شفاهی در سروده ها، زیارتنامه ها، مراثی تجلی یافت:

حسین حسین شعار ماست شهادت افتخار ماست

۴- ادبیات مقاومت در نقش خود، دگرخواه است و خداخواه، چون حامل آرمان های ملی و ایمانی جامعه خود است:

ما مسلح به الله اکبریم بر صف دشمنان حمله می بریم

(مجموعه مقاله ها، ۱۳۷۳: ۸۲)

۲-۵- مبانی ادبیات پایداری امام خمینی (ره)

مبانی ادبیات پایداری امام خمینی را می توان در دو مبنای زیر خلاصه کرد:
الف- مبنای عقلی امام در ادبیات پایداری: اگر ما دست به دست هم ندهیم ... همه زمین می خورند، پس عقل اقتضا می کند که ما الان مشکلات را تحمل کنیم (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ۲۴۵).

ب- دستور الهی: استقامت در کنار امر بدیهی و عقلی بودن، دستوری الهی است: چه بسا افرادی که ابتدائاً در امری وارد می‌شوند؛ لکن بعضی مشکلات وقتی پیش می‌آید، نمی‌توانند خوددار باشند، نمی‌توانند استقامت کنند. ادبیات پایداری امام خمینی از تصویرگری‌های قرآن و اهل بیت (ع) الگو می‌گیرد و از واژه‌ها و ترکیب‌های ادبی قرآن بهره می‌برد. امام خمینی با این مبانی درصدد دینی کردن ادبیات پایداری و حضور دین در عرصه اجتماع است: امروزه وظیفه ماست که در برابر خطراتی که متوجه اسلام و مسلمین است، برای تحمل هرگونه ناملایماتی آماده باشیم تا بتوانیم دست خائنین به اسلام را قطع نماییم و جلو اغراض و مطامع آنان را بگیریم» (عیسی نیا، ۱۳۶۵: ۱۲۲).

۲-۶- ادبیات مقاومت امام خمینی (ره)

نکته مهم در مبارزه انقلابی امام این است که ایشان چه برای تخریب نظم سیاسی و تحمیلی و چه در تأسیس نظم سیاسی مطلوب (حکومت اسلامی)، توجه و تبیین ایدئولوژیک داشتند. امام، ضمن درک از بین رفتن هویت اسلامی جامعه ایران با به کارگیری ادبیات مقاومت و پایداری و گفتمان انقلابی، از یک سو به بیداری و حرکت مردم مسلمان اقدام کردند و از سوی دیگر با هدف قرار دادن استبداد داخلی و خارجی به عنوان دشمنان ایران و اسلام، ابهت و شکست ناپذیری این دو را مورد تشکیک قرار دادند. امام در استراتژی مبارزاتی خود و رویارویی و تقابل با اراده همگن و همبسته استبدادی-استعماری، تدابیر مناسبی را به کار گرفتند که در آنها ویژگی‌های ادبیات پایداری مشاهده می‌شود.

۲-۶-۱- شناخت خطر

بررسی سخنان امام از سال ۱۳۴۱ به بعد تا زمان پیروزی انقلاب اسلامی حاکی از این است که ایشان گرفتاری‌ها و معضلات جهان اسلام را در دو سطح ملی و فراملیتی یا محیط بیرونی دانسته‌اند:

۲-۶-۱-۱- نهاد سلطنت

بعد از فوت مرحوم آیت الله بروجردی، امام به عنوان مرجع تقلید و رهبری سازش ناپذیر در کتاب حکومت اسلامی (ولایت فقیه) به صراحت اعلام

داشتند که: «سلطنت و ولایتعهدی همان است که اسلام بر آن خط بطلان کشیده و بساط آن را در صدر اسلام در ایران و رم شرقی و مصر و یمن برانداخته است.»

اعتراضات شدید امام به اقدامات ضد اسلامی رژیم شاه، باعث دستگیری او و اعتراض شدید دیگرشان به قانون ننگین کاپیتولاسیون، موجب تبعید ایشان از ایران گردید. پیر بلانشه در کتاب خود با عنوان «ایران، انقلاب به نام خدا» از قول امام در آستانه جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی چنین آورده است: «در آستانه این عیاشی نفرت انگیز، آیت الله خمینی در تبعیدگاه خود نجف در عراق اعلامیه مفصلی چاپ می‌کند: «فقط خدا می‌داند که سلطنت ایران از آغاز پیدایش خود چه جنایت‌ها کرده است. جنایات پادشاهان، تمام تاریخ ما را سیاه کرده است. مگر پادشاهان نبودند که به قتل عام خلایق فرمان می‌دادند و بدون کمترین وسواس، دستور سر بریدن می‌دادند؟ در نظر پیغمبر اسلام کلمه «شاهنشاه» نفرت انگیزترین کلمه در گوش خداوند است. اصول اسلامی با سلطنت مخالف است. کاخ‌های استبدادی شاهنشاهی ایران را ویران کنید. سلطنت یکی از شرم آورترین و پست‌ترین ارتجاع‌ها است.»

۲-۱-۶-۲- افشای ماهیت و عملکرد رژیم

در بررسی نهضت انقلابی امام خمینی (ره) سه مرحله مورد مطالعه است:

- ۱- اندیشه و آرمان‌های انقلابی امام تا سال ۱۳۴۲ که از سر آغاز نهضت محسوب می‌شود. از این مرحله می‌توان به دوران‌های انقلاب اسلامی تعبیر کرد.
- ۲- حرکت فزاینده نهضت تا تبدیل به انقلاب اسلامی (تولد انقلاب اسلامی)
- ۳- روند انقلاب اسلامی تا پیروزی که مرحله شکوفایی محسوب می‌شود.

اندیشه‌های انقلابی و آرمان‌های سیاسی نهضتی را که در سال ۱۳۴۲ بر حسب ظاهر آغاز گردید، می‌توان در آثار پنجاه سال پیشتر رهبر انقلاب به ویژه در کتاب کشف الاسرار وی دید «دستوری که دولت دیکتاتوری رضاخان داده، به یک پول سیاه ارزش ندارد و حتما باید قانون‌هایی که در آن زمان از مجلس گذشته اوراقش را سوزاند و محو کرد و وکلای زوری آن روزها حق و کالت

امروز را ندارند». دولت، دولت کفر است و اعانت آن، عدیل کفر و بدتر از کفر است. فقط قانون خداست که باقی خواهد ماند و دست تصرف روزگار آن را کهنه نمی‌کند» (محمدی، سال هشتم، ش ۳۰).

۲-۶-۱-۲-۱-۱- خرداد ۱۳۴۲

امام در عصر عاشورای ۱۳۴۲ سخنان توفنده و شکننده کم نظیر یا بی نظیری علیه شخص شاه ایراد کردند: «بنی امیه و خاندان یزید، با خاندان پیغمبر مخالف بودند، بنی هاشم را نمی‌خواستند و غرض آنها از بین بردن این شجره طیبه بود. همین سؤال اینجا مطرح می‌شود که دستگاه جبار ایران با مراجع سرچنگ داشت، با علمای اسلام مخالف بود، به قرآن چه کار داشتند، به مدرسه فیضیه چه کار داشتند، به طلاب علوم دینی چه کار داشتند؟ به سید ۱۸ ساله ما چه کار داشتند؟ به این نتیجه می‌رسیم که اینها با اساس کار دارند. با اساس اسلام و روحانیت مخالفند... امروز به من خبر دادند که عده ای از وعاظ و خطبای تهران را برده اند سازمان امنیت و تهدید کرده اند که از سه موضوع حرف نزنند: ۱- از شاه بدگویی نکنند. ۲- به اسرائیل حمله نکنند. ۳- نگویند که اسلام در خطر است و دیگر هر چه بگویند، آزادند. تمام گرفتاری‌ها و اختلافات ما در همین سه موضوع نهفته است.» آقای شاه! اینها می‌خواهند تو را یهودی معرفی کنند که من بگویم کافری تا از ایران بیرونت کنند و به تکلیف تو برسند؟ (مدنی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۳۵). از سوی دیگر، رژیم از جهت تبلیغاتی اعلام کرد که شاه و روحانیت به تفاهم رسیده‌اند، اما امام که روحیه‌ای سازش‌ناپذیر داشتند، پس از آزادی از زندان در اولین سخنرانی خود در فروردین سال ۱۳۴۲ فریاد برآوردند که: «خمینی را اگر دار هم بزنند، تفاهم نخواهد کرد» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۶۵).

۲-۶-۱-۲-۲- لایحه ننگین کاپیتولاسیون

تصویب لایحه ننگین کاپیتولاسیون (قضاوت کنسولی) در ۲۱ مهر ۱۳۴۳، به شدت مخالف اصل عزت اسلامی مسلمانان و از لحاظ حقوق بین‌المللی مخالف حق حاکمیت ملت‌ها بود. این لایحه با رأی نه چندان زیادی در مجلس تصویب شد. امام در جهت بیداری ملت مسلمان ایران و افشای ماهیت وابسته رژیم پهلوی و

سلطه‌گری‌های نامشروع آمریکا فرمودند: «دولت با کمال وقاحت از این امر ننگین طرفداری کرد، ملت ایران را از سگ‌های آمریکایی پست‌تر کردند! اگر یک سگ آمریکایی را زیر بگیرند، او را بازخواست می‌کنند، حتی اگر شاه ایران یک سگ آمریکایی را زیر بگیرد، مورد بازخواست قرار می‌گیرد؛ ولی چنانچه یک آشپز آمریکایی شاه ایران را زیر بگیرد، بزرگترین مقام را زیر بگیرد، کسی حق تعرض ندارد...». امام (ره) سخنرانی خود را با آیه نفی سبیل (لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) شروع کردند و با احساس تکلیف و درک عمیق خطر برای کشور اسلامی ایران، اقشار مختلف جامعه ایران را مورد خطاب قرار دادند و از آنان استمداد خواستند: «من تمام روحانیون را تعظیم می‌کنم، دست تمام روحانیون را می‌بوسم، آن روز اگر دست مراجع را می‌بوسیدم، امروز دست کاسب را هم می‌بوسم، آقایان! اعلام خطر می‌کنم، ای ارتش ایران من اعلام خطر می‌کنم، ای سیاسیون ایران! من اعلام خطر می‌کنم، ای بازرگانان! من اعلام خطر می‌کنم، ای علمای ایران! ای مراجع اسلام! من اعلام خطر می‌کنم، ای فضلا! ای طلاب! ای حوزه‌های علمیه! ای نجف! ای قم! ای مشهد! ای تهران! ای شیراز! من اعلام خطر می‌کنم» (مدنی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۸۶). «رئیس جمهور آمریکا بداند این معنا را که منفورترین افراد بشر است پیش ملت ما» (قاضی زاده، ۱۳۷۷: ۳۷).

۲-۶-۱-۳- سلطه خارجی

امام، بارها بر نقش ویرانگر دولت‌های سلطه‌گر بر جوامع اسلامی اشاره داشته و ریشه بسیاری از ناکامی‌ها و عقب‌ماندگی‌ها را نتیجه این پدیده شوم دانسته‌اند. در جریان مخالفت با انقلاب سفید شاه، هشدارهایی به ملت مسلمان ایران و مسلمان جهان دادند و فرمودند: «دنیا بداند که هر گرفتاری که ملت ایران و ملل مسلمین دارند از جانب اجانب است، از جانب آمریکاست. ملل اسلامی از اجانب عموماً و از آمریکا خصوصاً متنفر است» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۱۰۵).

امام بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از فروپاشی بلوک شرق با معرفی چهره‌های دشمنان ستیزه‌جو و آشتی‌ناپذیر و معرفی سه قطب فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم به عنوان کانون‌های اصلی بحران و خطرآفرین برای

جهان اسلام در بیان زیبایی چنین فرمودند: «ما در صدد خشکانیدن ریشه‌های فاسد صهیونیسم، سرمایه‌داری و کمونیسم در جهان هستیم. ما تصمیم گرفته‌ایم به لطف و عنایت خداوند بزرگ، نظام‌هایی را که بر این سه پایه استوار گردیده‌اند، نابود کنیم» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۲۲). «یکی از علل قیام ملت مسلمان ایران علیه شاه، حمایت بی‌دریغ او از اسرائیل غاصب است؛ نفت اسرائیل را تأمین می‌کند؛ ایران را بازار مصرف اسرائیل کرده است و حمایت‌های معنوی دیگر و برای فریب افکار جهانی صرفاً به محکوم کردن اسرائیل می‌پردازد» (محمدی، سال هشتم، ش ۳۰).

تحت تأثیر شخصیت آشتی‌ناپذیر و روحیات سلطه‌ستیزانه رهبری امام، بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ریشه‌ها و زمینه‌های سلطه‌گرانه قدرت‌های خارجی، به ویژه آمریکا و صهیونیسم، یکی بعد از دیگری قطع می‌گردد. لغو پیمان سیاسی-امنیتی سنتو، لغو کاپیتولاسیون، برچیدن پایگاه‌های استراق سمع آمریکا در شمال کشور، رد و تقبیح ژاندارمری ایران در خلیج فارس، نفی روابط فرهنگی و اقتصادی سلطه‌گرانه با آمریکا، اخراج مستشاران آمریکایی از ایران و هر نوع رابطه سلطه‌گرانه دیگر، قطع روابط سیاسی و دیپلماتیک، نظامی و امنیتی با اسرائیل در همین راستا قابل تأمل است (آرکدی، ۱۳۶۸: ۴۵۲).

۲-۶-۲- تلازم دین و سیاست

قلب و محور نظریات سیاسی امام، تلازم سیاست و دیانت است؛ تلازمی که برگرفته از نظریات فقهی ایشان است. در پرتو همین اندیشه بود که امام به نفی و انکار نظام سلطنتی و تأسیس نظام جمهوری اسلامی ایران همت گماشتند. نگاه سیاسی-فقهی امام به مسائل ایران و جهان در وضعیتی مطرح شد که ورود علما به سیاست بسیار مذموم شناخته می‌شد و حتی جریان غالب فکری این بود که نه تنها مبارزه سیاسی با رژیم پهلوی را غیرممکن می‌دانستند، بلکه پیشاپیش، سرنوشت آن را محکوم به شکست قلمداد می‌کردند. امام در مبحث فقه سیاسی، ورود به سیاست را برای همه، بویژه برای علما تجویز می‌کردند و آن را وظیفه‌ای شرعی می‌دانستند؛ لذا برای شکستن این روال غلط و جا افتاده (جدایی سیاست از

دیانت) بود که امام، مبارزه با رژیم پهلوی را آغاز و توصیه کردند و به تحریم «تقیه» پرداختند. امام در این باره فرمودند که: «آنهایی که خیال می‌کنند حضرت سیدالشهدا برای حکومت نیامده، خیر، برای حکومت آمدند. برای اینکه باید حکومت دست سیدالشهدا باشد» (خمینی، ۱۳۸۶: ۳۹).

امام(ره) اشاره کرده‌اند که: «این را که دیانت باید از سیاست جدا باشد و علمای اسلام در امور اجتماعی و سیاسی دخالت نکنند، استعمارگران گفته‌اند و شایع کرده‌اند. این را بی‌دینها می‌گویند. مگر زمان پیامبر اکرم(ص) سیاست از دیانت جدا بود؟» (خمینی، ۱۳۵۸: ۲۳). دیوید مناشری در این زمینه چنین می‌نویسد: «ایدئولوژی خمینی، مخالفت را تجویز می‌کرد: جدایی مذهب و دولت که از بین رفته بود. قدرت معنوی و مادی در ولایت فقیه جمع می‌شود... ایدئولوژی اسلامی خمینی، وجود مرزهای سیاسی فیما بین جوامع اسلامی را به رسمیت نمی‌شناسد (محمدی، سال نهم). انتقاد امام به آیت‌الله کاشانی در همین جهت بود: «در خلال نهضت کاشانی و دکتر مصدق که جنبه سیاسی نفت قوی‌تر بود در نامه‌ای به کاشانی نوشتم که لازم است برای جنبه دینی نهضت اهمیت قائل شود. او به جای اینکه جنبه مذهبی را تقویت کند و بر جنبه سیاسی چیرگی دهد به عکس رفتار کرد؛ به گونه‌ای که رئیس مجلس شورای ملی شد و این اشتباه بود. من از او خواستم که برای دین کار کند، نه اینکه سیاستمدار شود» (خمینی، بی تا: ۲۳).

۲-۶-۳- قیام، ایستادگی و شهادت

نکته مهم و حساس در دعوت مردم به ایستادگی و مقاومت این بود که وی خود، جلوتر از همه، پرچمدار مبارزه با استبداد حاکم و استعمار آمریکا و صهیونیسم بود. عناصر شجاعت و «عمل به تکلیف باعث شد که وی در ادامه مبارزه خود و ایستادگی و مقاومت، لحظه‌ای تردید به خود راه ندهد و جز از خدا از هیچ نترسد. در این باره وی صراحتاً مطرح کرد که «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کردم، ولی برای قبول زورگویی و خضوع در مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم بود» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۳۹). که تداعی کننده فرمایش گهربار سیدالشهدا (ع) است: «إِنَّ كَانَ دِينَ مُحَمَّدٍ لَمْ يَسْتَقِمَّ /

الأبقتلی فیا سُیُوفُ خُدَیْنِی» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳: ۵۰). «اتکا به خدا» و «عمل به تکلیف» از امام چهره‌ای فولادین و شکست‌ناپذیر ساخته بود؛ به گونه‌ای که چهره‌خشن و سخت‌افزاری رژیم پهلوی کوچکترین تأثیری بر مبارزه و مقاومت امام نداشت؛ بلکه در این تقابل اراده این چهره‌خشن و سخت‌افزاری بود که به سرعت منفعل و نفوذناپذیر می‌شد. در این جهت بود که امام، جمله‌ای به این مضمون را فرمودند که والله قسم که در برخورد با رژیم پهلوی من یک لحظه نترسیدم؛ بلکه آنها می‌ترسیدند و من آنها را دلداری می‌دادم. سیره عملی و مبارزاتی حضرت امام (ره) از یک سو و عنصر حق‌طلبی و مردم‌داری او از سوی دیگر، مردم را بسیار تحت تأثیر قرار داد و به دنبال حضرت امام به صحنه مبارزه و قیام و شهادت فراخواند؛ خصوصاً اینکه امام (ره) انگیزه قیام خود را خدایی جلوه‌گر ساختند. امام در این زمینه چنین فرمودند: «ما برای خدا قیام کردیم و قیام برای خدا شکست ندارد» (داوری، ۱۳۶۱: ۱۳۷). بعد از اینکه امام (ره) شور و حال مردم مسلمان ایران را در حمایت از مبارزه و مقاومت لمس کردند با ترسیم راه سیدالشهدا و اقتدا به او چنین فرمودند که: «ما مثل حسین (ع) وارد جنگ شدیم و مثل حسین (ع) نیز باید به شهادت برسیم» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۸: ۱۶۸). جان‌دی استمپل، نویسنده معروف آمریکایی در کتاب «درون انقلاب ایران» به این امر اشاره دارد: «بخشی از قدرت [امام] خمینی از علاقه مشهور او به شهادت در راه انقلاب اسلامی ناشی می‌شد. اگر مرگ [امام] خمینی به سرنگونی شاه کمک می‌کرد، او از مردن بیم نداشت. رمز تداوم و بالندگی انقلاب اسلامی همین دو عنصر حماسه‌آفرین جهاد و شهادت است» (محمدی، سال نهم).

۲-۶-۴- تأکید بر اسلام و احیای هویت اسلامی

امام در عاشورای ۱۳۴۲ که نقطه عطفی در تاریخ مبارزات ایشان و ملت مسلمان ایران محسوب می‌شد و قیام خونین ۱۵ خرداد را به همراه داشت، چنین می‌فرمودند: «امروز به من خیر دادند که عده‌ای از وعاظ و خطبای تهران را برده‌اند سازمان امنیت و تهدید کرده‌اند که از سه موضوع حرف نزنند: ۱- از شاه بدگویی نکنند. ۲- به اسرائیل حمله نکنند. ۳- نگویند که اسلام در خطر است و دیگر

هرچه بگویند آزادند، تمام گرفتاری‌ها و اختلافات ما در همین سه موضوع نهفته است. اگر از این سه موضوع بگذریم، دیگر اختلافی نداریم و باید دید که اگر ما نگوئیم اسلام در معرض خطر است، آیا در معرض خطر نیست؟ اگر ما نگوئیم اسرائیل برای اسلام و مسلمین خطرناک است، آیا خطرناک نیست و اصولاً چه ارتباطی و تناسبی بین شاه و اسرائیل است. سازمان امنیت می‌گوید از شاه صحبت نکنید؟ آیا به نظر سازمان امنیت، شاه اسرائیلی است؟ آیا به نظر سازمان امنیت، شاه یهودی است» (محمدی، سال نهم). نکته مهم اینکه تحمیل فرهنگ استعماری و ترویج آن، که مرادف با بی‌هویت‌سازی فرهنگ بومی صورت گرفته، نتیجه غفلت و خواب‌رفتگی کشورهای جهان سوم است؛ لذا بی‌جهت نیست که امام در راه احیا و بازیابی هویت اسلامی کشورهای مسلمان به طور اعم و کشور ایران به طور اخص، مسأله «بیداری ملت‌ها و یقظه» را مطرح ساختند و آن را قدم اول دانستند. امام چنین فرموده‌اند: «در این سده اخیر کوشش شده است که ملت‌های جهان سوم خواب باشند، غافل باشند و متوجه شخصیت خودشان نباشند و شخصیت خودشان را اصلاً وابسته به غیر بدانند» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۴: ۱).

۲-۶-۵- جایگاه فرهنگ از نظر امام خمینی (ره)

«فرهنگ مبدأ همه خوشبختی‌ها و بدبختی‌های یک ملت است» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۲۷۳). «رأس همه اصلاحات، اصلاح فرهنگ است» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۰: ۵۵). «فرهنگ، اساس ملت است، اساس ملیت یک ملت است، اساس استقلال یک ملت است» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۶: ۴۰). از نظر امام، برنده‌ترین ابزار سلطه‌گران و استعمارگران، استعمار فرهنگی بوده است. در پرتو استعمار فرهنگی است که آنان توانسته‌اند به مسخ و بی‌هویتی ملت‌ها اقدام، و با «بی‌حسی فرهنگی» آنها اهداف نامشروع استعماری خود را بر آنان بار کنند: «یک کشور وقتی آسیب می‌بیند که ملتش بی‌تفاوت باشد. راجع به آسیب‌ها، آن وقت که مملکت شما را آنها می‌آمدند و همه آن کارهای خلاف مصالح شما را می‌کردند، برای اینکه ملت یک ملتی بود

که خوابش کرده بودند، تهی کرده بودند ملت را از خودش، خودش را اصلاً نمی‌شناخت، هر چه می‌دید، غرب می‌دید...» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۶: ۲۲۰).

۲-۶-۶- اسطوره‌های تاریخی - مذهبی

الف) حضرت امیر(ع) به عنوان رهبر حکومت اسلامی مظهر و اسطوره شجاعت، عدالت، ساده زیستی و بی‌اعتنایی به قدرت‌طلبی و امور دنیوی، فروتنی، مردم‌داری، صداقت و جوانمردی است.

ب) امام حسین(ع) به عنوان یک اسطوره انقلابی و مکمل اسطوره اول مطرح است که الگوی واکنش و ستیز در برابر حکومت‌های ظالم و فاجر را به ما نشان می‌دهد (محمدی، ش ۳۳، سال نهم). امام در پیامی به مناسبت هفتمین روز کشتار هفدهم شهریور خطاب به ملت ایران فرمودند: «قیام شما در مقابل دیکتاتور اصلی که تمام شعائر ملی و مذهبی را زیر پا گذاشته چون [قیام] امیرالمؤمنین در مقابل معاویه می‌باشد که عملی بیش از اعمال آن دیکتاتور مرتکب نشده بود» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۴۸۰). یا به مناسبت کشتار محرم سال ۱۳۶ به ملت ایران اعلام کرد: «نهضت دوازده محرم و پانزده خرداد در مقابل کاخ ظلم شاه و اجانب به پیروی از نهضت مقدس حسینی... [بود]» (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۴۴۹). سیدالشهدا(ع) در مقابل بدعت و انحراف دستگاه بنی‌امیه قیام کرد. امام خمینی (ره) با اشاره به این مطلب چنین فرمودند: «سلطنت و ولایتعهدی همان طرز حکومت شوم و باطل است که حضرت سیدالشهدا برای جلوگیری از برقراری آن قیام فرمود و شهید شد. برای اینکه زیر بار ولایتعهدی یزید نرود و سلطنت او را به رسمیت نشناسد. قیام فرمود و همه مسلمانان را به قیام دعوت کرد و گوشزد کرد که اینها از اسلام نیست، اسلام ولایتعهدی ندارد». امام (ره) اشاره دارند که: «سیدالشهدا قیامش نهی از منکر بود که هر منکری باید از بین برود، من جمله حکومت جور، حکومت جور باید از بین برود» (خمینی، ۱۳۸۶: ۳۹).

۲-۶-۷- اعتقاد به نقش تاریخ ساز و تحول آفرین مردم

ساده گویی، ساده زیستی و ساده پوشی امام از او چهره ای مردمی ساخت و اعتقاد مردم را نسبت به رهبری ایشان تعمیق بخشید. ایشان در مواردی، مردم را

«ولی نعمت» معرفی کرد یا در مقابل اظهار صحبت مردم عنوان می داشت که اگر به من «خدمتگزاری» بگویید بهتر است، تا «رهبر» بگویید، یا اگر این ملت نبودند، شما مسئولان الان در کنج زندان‌ها و سیاهچال‌ها پوسیده بودید و تعبیر متعدد دیگری که حاکی از تکریم و بزرگداشت مقام ملت و مردم است.

۲-۶-۸- مبارزه آشتی‌ناپذیر با حکومت

مهمترین اهرم‌ها و ابزارهای قدرت رژیم پهلوی که سبب حفظ بقا و دوام حاکمیت آن رژیم شد، عبارتند از: الف) قدرت‌های حامی و سلطه‌گر خارجی (آمریکا و اسرائیل)؛ حامیان سیاسی و معنوی شاه ب) ارتش و نیروهای مسلح؛ کانون امید و چهره عریان قدرت شاه (محمدی، شماره ۱۵).

امام با بیان جنایات رژیم شاه و نفوذ سلطه آمریکا و اسرائیل در ایران، ارتش و نیروهای نظامی را دعوت کردند که اسلحه خود را بر زمین گذارد و به ملت بپیوندد. برخلاف بسیاری از انقلابات که با رویارویی ارتش و انقلابیان، ارتش خشمگین تر می شود و با تمام توان و قدرت نظامی به رویارویی با انقلابیان برمی‌خیزد و تلفات و ضایعات جبران ناپذیری از این مواجهه و رویارویی پدید می‌آید، امام با هدایت و فرماندهی خاص خود، بر آن بود که به تعبیر هایزر «بدون شلیک یک تیر حتی» انقلاب را به پیروزی برساند. امام ارتش را برادر ملت خواندند و از ملت دعوت کردند نسبت به ارتش هیچ گونه اهانتی و حمله‌ای انجام نشود. بر همین مبنا بود که مردم با بهره‌گیری از رهنمودهای امام در جریان تظاهرات خیابانی خود شاخه‌ای گل را درون لوله‌های تفنگ نظامیان قرار داده و یا با آویختن گل به گردن سربازان و با شعار «برادر ارتشی، چرا برادر کشی؟!» سعی در تحریک عواطف آنها و جذب ارتش به سمت خود کردند. هایزر در این باره می‌نویسد که: «به دستور امام خمینی حمله جدیدی به ارتش انجام شد که سلاح به کار رفته در آن، سلاح عشق و مهربانی بود و این شیوه جدیدی بود که به خصوص در مورد سربازان جوان خطرناک بود. پیام امام خمینی این بود که باید نیروهای مسلح را از گزند نفوذ بیگانه حفظ کرد و نباید اجازه داد که این رویارویی انجام گیرد» (باقی، ۱۳۷۰: ۳۶۴). امام حتی در برخورد خشونت‌بار ارتشیان با نیروهای مسلمان و

انقلابی، به درگیری و خشونت توصیه نکردند و فرمودند: «بگذارید ارتش هر تعداد که می‌خواهد بکشد تا اینکه سربازها در قلب‌هایشان با قتل و عام که می‌کنند تکان بخورند، آنگاه ارتش از هم خواهد پاشید» (محمدی، ۱۳۶۶: ۲۰۰).

(ج) نفت، اساس و بقای دولت تحصیلدار رژیم.

در گزارش ۱۳ آذر سفارت آمریکا چنین آمده است: «وضعیت کارگری حوزه‌های نفتی ایران همچنان وخیمتر می‌شود ... کلیه منابع ما گزارش می‌کنند که از سرگیری اعتصاب در بخش نفت منحصرأ به دعوت [امام] خمینی نسبت داشته و حتی یک نمونه از منطق اقتصادی در آن وجود ندارد» (محمدی، سال نهم).

۲-۶-۹- محورهای محتوایی پیام‌ها

۲-۶-۹-۱- ایجاد انگیزه: نثر امام به خوبی، اَمّت را به جوش و خروش می‌آورد. از جمله در افشاگری‌های ضد رژیم طاغوت، اعلامیه‌های دوران تظاهرات و اعتصابات، قضیه پاوه، پیام‌های مربوط به شهادت‌هایی چون هفت تیر، هشت شهریور، شهادی محراب، پیام‌های بسیج به سوی جبهه‌ها، قبول قطعنامه، فریاد برائت، پیام به حوزه‌های علمیه.

۲-۶-۹-۲- ایام‌الله: پیام‌های مکرر امام در سال نو، ۱۵ خرداد، هفته دفاع مقدس، سالگرد پیروزی انقلاب، سوم و نیمه شعبان در مسیر اهداف اسلام و انقلاب بود.

۲-۶-۹-۳- مضمون‌های نو: آنچه امام درباره عبادات، مواقف و مناسبت‌هایی چون حج و زیارت و عاشورا، نماز جمعه، گریه و عزاداری بیان می‌کند، حاوی نکات نو و ظریف است؛ اما آنچه درباره دشمنان و انقلاب، آمریکا، صهیونیسم، منافقان، بعثی‌ها، ملّی‌گراها، روحانی‌نماها، غرب‌زده‌ها و خاندان پهلوی می‌فرماید، بسیار عمیق و جهت‌بخش و بیدارگر است.

۲-۶-۹-۴- مشخصه پیام امام

۱- تأثیر قاطع در برانگیختن مردم ۲- هدایت اَمّت و ترسیم خط حرکت انقلابی. ۳- سخن گیرا ۴- زبان، گزارشگر صادق و آینه تاریخ مکتب و ملّتی است ۵- نقشه عوامل ضد انقلاب را افشا و خشی می‌کرد. ۶- خط سیر انقلاب را

ترسیم می‌کرد. ۷- عصاره رنج محرومان بود. ۸- بُعد ادبی: الف) زیبایی‌های لفظی: صناعات ادبی در پیام‌های او به گستردگی دیده می‌شود، ولی تکلف ندارد. ب) مضمون آفرینی: نوع کاربرد واژه‌ها و تعبیرات، گاهی به گونه‌ای بود که مفهوم جدیدی ساخته است. ج) جوان بودن نشر: امام سبکی زنده و نثری زیبا، روان و جوان داشت: سبکبالان عاشق شهادت، بر توسن شرف و عزت به معراج خون تاخته‌اند. ملت بزرگ ایران با قامتی استوار بر بام بلند شهادت و ایثار ایستاده است. در مرگ آباد تحجر و مقدس‌مآبی، چه ظلم‌ها بر عده‌ای روحانی پاک‌باخته رفته است. د) ترکیب‌های نو: کبوتران حرم اسلام (طلّاب)، درخت جهنمی استعمار، کمینگاه محراب مساجد، قبرستان تاریخ، مفتخواران مفتخوار، قاموس شهادت، ستاره نحس مستکبران، خط سرخ شهادت، جامعه مسموم، قامتی به بلندای ابدیت. اسطوره‌های تاریخ‌سازان و بت‌تراشان، کج‌فهمان داغ بر پیشانی، بحر موج کشف محمدی، غسل شهادت و خون، کوثر عاشورا، تب جنگ، کعبه مظلوم، حرم خون‌آلود، اقیانوس بزرگ ملت، اسلام آمریکایی، مرفهین بی‌درد، حجله جهاد و شهادت، مسلخ عشق و منای رضایت‌حق، احرام شهادت، قرنطینه سیاسی، مرداب و باتلاق سکوت و سکون، میوه استقامت و زیتون سوز، بستر شهادت، الفبای مبارزه، شیشه حیات آمریکا، رگبار مرگ، ازابه سیاست آمریکا، شیطان بزرگ (امیری، ۱۳۷۸: ۱۰۳).

۲-۶-۱۱- محورهای اصلی شعار و سخنان امام در عصر انقلاب

۱- یاوران انقلاب: شهید بزرگ ما مرحوم مدرس که القاب برای او کوتاه و کوچک است، ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضا-شاهی تاریک می‌نمود (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۹: ۶۶).

۲- دشمنان انقلاب

از جور رضاشاه کجا داد کنیم زین دیو بر که ناله بنیاد کنیم
آن دم که نفس بود ره ناله بیست اکنون نفسی نیست که فریاد کنیم

(دیوان، ص ۲۰۹)

امام فرمود: آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۹: ۱۲۱).

۳- ایام انقلاب: ۱۲ فروردین ۱۳۶۳ روز جمهوری اسلامی

این عید سعید عید حزب‌الله است دشمن ز شکست خویشتن آگاه است
چون پرچم جمهوری اسلامی ما جاوید به اسم اعظم الله است

(دیوان، ص ۱۸۹)

۴- دفاع مقدس: جنگ تحمیلی یکی از مهمترین ابزارهای فشار خارجی بود که با قصد براندازی آشکار نظام جمهوری اسلامی بر ایران تحمیل شد. به لطف خداوند و رهبری حضرت امام (ره) انقلاب اسلامی توانست پوینده و بالنده به راه خود ادامه دهد و جمهوری اسلامی توانست خاک خود را از تصرف بیگانگان خارج سازد و صدام جاه‌طلب، جنگ‌افروز و بلندپرواز را به این نقطه بکشد که بعد از هشت سال طی نامه‌ای رسماً قرار داد ۱۹۷۵ الجزایر را مبنای خاتمه جنگ قرار دهد! در جنگ نیز امام همچون انقلاب توانستند با اتکا به مثلث «اعتماد به نفس»، «اتکال به خدا» و «اعتقاد به مردم» خاک جمهوری اسلامی را از لوث بیگانگان پاک سازند و عزت و عظمت برای جمهوری اسلامی و انقلاب اسلامی به ارمغان آورند (محمدی، سال نهم).

۵- شهادت‌طلبی: من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کردم، ولی برای قبول زورگوئی‌ها و خضوع در مقابل جباری‌های شما حاضر نخواهم کرد (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۴۰).

۶- حماسه‌آفرینی: من مصمم هستم که از پا نشینم تا دستگاه فاسد را به جای خود بنشانم (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱: ۴۵). والله گناهکار است کسی که داد نزند، و الله مرتکب کییره است کسی که فریاد نزند. ای سران اسلام! به داد اسلام برسید. ای علمای نجف! به داد اسلام برسید. ای علمای قم! به داد اسلام برسید، رفت اسلام. ای ملل اسلام! ای سران ملل اسلام! ای رؤسای جمهور ملل اسلامی! ای سلاطین ملل اسلامی! به داد ما برسید (روحانی، ۱۳۶۰: ۷۸).

۷- مناسبت‌های مکتبی: محرم، ماه نهضت بزرگ سید شهیدان و سرور اولیای خداست که با قیام خود در مقابل طاغوت، تعلیم سازندگی و کوبندگی به بشر داده و

راه فنای ظالم و شکستن ستمکار را به فدایی دادن و فدایی شدن دانست (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲: ۱۱).

۸- طنز: در این سال، این عید (عید قربان) برای مسلمانان از آن جهت مبارکتر است که در آستانه آن، فرعون مصر (انور سادات) رهسپار کوی فرعونیان گردید و برای ایران، به علاوه از آن جهت که قوای شیطانی صدام رو به زوال و شیاطین پیوسته به آمریکا رو به اضمحلال است (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۱۷۸).

۹- بلاغت: جنبه‌های بلاغی و صناعات ادبی در کلام امام دیده می‌شود: جناس مرکب: تاک‌نشان و تاک‌نشان (۲۵۸/۱۱). طباق: از افول ذکّت به صعود عزّت (۲۳۳/۲۰). تلمیح: با دلی آرام و قلبی مطمئن و روحی شاد به سوی جایگاه ابدی سفر می‌کنم (۲۰۴/۲۱).

۱۰- فرهنگ جهاد و شهادت: خمینی هر جا برود آنجا را کربلا و نجف می‌کند. خط سرخ شهادت، خط آل محمد و علی است (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۵: ۱۵۴). همین تربت پاک شهیدان است که تا قیامت مزار عاشقان و عارفان و دلسوختگان و دارالشّقای آزادگان خواهد بود (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۲۰، ص ۲۳۹).

۱۱- امام حسین (ع): طلوع آفتاب سوم شیعیان که سالروز طلوع شمس معنویت و پاسدار اسلام و مجدد حیات قرآن کریم و نجات‌بخش امت خاتم (ص) از شب تاریک به عصر ظلمانی حکومت جابرانه یزیدیان که می‌رفت تا قلم سرخ بر چهره نورانی اسلام کشد. بر همه مسلمانان جهان و شیعیان خط سرخ امامت و ملت فداکار در صحنه ایران بزرگ مبارک باد (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۱۶: ۱۵۷).

۱۲- آزادی: امام سال ۵۸ در باره آزادی فرمودند: قلم آزاد است مسائل را بنویسد؛ لکن نه اینکه توطئه بر ضد انقلاب کند (۱۹۲/۶).

۱۳- تهذیب نفس: مقدمترین جهادها، جهاد اکبر است (۲۱۱/۷).

۱۴- انتفاضه فلسطین: سرزمین فلسطین، یادگارهای پیامبران الهی را در خود جای داده و همواره سرزمینی مقدّس بوده است. پشتیبانی از آزادی بیت‌المقدس و فلسطین از اصول اساسی جمهوری اسلامی ایران به شمار می‌رود و مردم ایران همواره یک دل و یک زبان، خواستار احقاق حقوق فلسطینیان هستند.

ما باید در مقابل مصیبت و مشکلات مقاوم باشیم و با مقاومت، ان‌شاءالله مشکلات را رفع می‌کنیم و من از خدا می‌خواهم که برای ما حسن مقاومت عنایت کند و همین‌طور برای برادران ما در فلسطین و در لبنان با همه مصیبت‌هایی که مواجه هستند، امیدواریم که با مقاومتی که آقایان دارند و ابوعمار دارد بر مشکلات فائق شوند و امور مسلمین، ان‌شاءالله اصلاح شود. سلام مرا به ابوعمار برسانید و از قول من به ایشان بگوئید که مشکلات شما مشکلات ماست. مسلمین باید ید واحد باشند، بر ضد همه ستمگران. ۵۸/۶/۲۴ (خمینی، ۱۳۶۱، ج ۹: ۱۳۳).

۳- نتیجه‌گیری

۱. از نظر امام، برنده‌ترین ابزار استعمارگران، استعمار فرهنگی بوده است.
۲. امام در جنگ با اتکا به مثلث «اعتماد به نفس»، «اتکال به خدا» و «اعتقاد به مردم» خاک جمهوری اسلامی را از لوٹ بیگانگان پاک ساخت.
۳. آنچه از قلم و زبان امام می‌جوشید و می‌تراوید، تبدیل به عشق و ایمان می‌شد. بیان او فرهنگ می‌شد و سخنش قانون.
۴. محورهای محتوایی پیام‌های امام: ایجاد انگیزه، ایام‌الله و مضمون‌های نو است.
۵. محورهای اصلی شعارامام عبارتند از: رهبری، یاوران و دشمنان انقلاب، نهادهای انقلاب، ایام انقلاب، دفاع مقدس، شهادت‌طلبی، حماسه‌آفرینی، مناسبهای مکتبی، فرهنگ جهاد و شهادت، اولیای خدا، انتفاضه فلسطین.
۶. مشخصه‌های پیام امام عبارتند از: تأثیر قاطع آن در برانگیختن مردم، هدایت امت و ترسیم خط حرکت انقلابی، سخن گیرا و روح‌بخش، گزارشگر صادق و آینه تاریخ مکتب و ملت، افشا و خنثی‌سازی نقشه عوامل ضد انقلاب، ترسیم خط سیر انقلاب، عصاره رنج محرومان، ترکیب‌های نو.

- ۱- آر. کدی، نیکی. (۱۳۶۹)، ریشه های انقلاب ایران، تهران: قلم.
- ۲- امیری، محمود. (۱۳۷۸)، چکیده یکصد کتاب درباره امام خمینی، تهران: پیام آزادی.
- ۳- باقی، ع. (۱۳۷۰)، بررسی انقلاب ایران، ج ۱، قم: نشر تفکر.
- ۴- حاجتی، میراحمدرضا. (۱۳۸۲)، عصر امام خمینی، قم: بوستان کتاب قم.
- ۵- خمینی، روح‌الله. (بی تا)، در جستجوی راه امام از کلام امام، تهران: امیر کبیر.
- ۶- (۱۳۷۷)، دیوان، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- ۷- (۱۳۸۲)، سیره آفتاب، قم: دفتر نشر معارف.
- ۸- (۱۳۶۱)، صحیفه نور، تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- ۹- (۱۳۸۶)، قیام عاشورا در کلام و پیام امام خمینی (س)، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- ۱۰- (۱۳۵۶)، ولایت فقیه، بی جا.
- ۱۱- داوری، رضا. (۱۳۶۱)، انقلاب اسلامی و وضع کنونی عالم، تهران: واحد مطالعات و تحقیقات فرهنگی و تاریخی.
- ۱۲- روحانی، سیدحمید. (۱۳۶۰)، بررسی و تحلیل از نهضت امام خمینی، تهران: انتشارات راه امام، ج ۱.
- ۱۳- قادری، سیدعلی. (۱۳۷۸)، خمینی، روح‌الله، تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.
- ۱۴- قاضی زاده، کاظم. (۱۳۷۷)، اندیشه های فقهی - سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
- ۱۵- لک‌زایی، نجف. (۱۳۸۳)، سیر تطور تفکر سیاسی امام خمینی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ اسلامی.
- ۱۶- مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
- ۱۷- مجموعه مقاله‌های سمینار بررسی ادبیات انقلاب اسلامی، (۱۳۷۳)، تهران: سمت.
- ۱۸- محمدی، منوچهر. (۱۳۶۶)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: انتشارات امیر کبیر.
- ۱۹- مدنی، جلال الدین. (۱۳۶۱)، تاریخ سیاسی معاصر، ج ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۰- مهدوی، محمدعلی. (۱۳۸۳)، عناصر رهبری امام خمینی، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.

مقالات

- ۲۱- آینه‌وند، صادق. (۱۳۷۰)، ادبیات مقاومت، کیهان فرهنگی، شماره ۷۹.
- ۲۲- اسکندری، عبدالمجید. (۱۳۷۶)، ادبیات مقاومت، کیهان فرهنگی، شماره ۱۳۹.
- ۲۳- عیسی‌نیا، رضا. (۱۳۸۵)، امام و ادبیات پایداری، علوم اجتماعی «پژوهشنامه متین»، ش ۳۰.

۲۹۴ / جلوه‌های ادبیات پایداری در کلام امام خمینی (ره)

۲۴- محمدی، یدالله. (۱۳۷۸ و ۱۳۷۹)، انقلاب اسلامی و ادبیات مقاومت، فصلنامه

مصباح، ش ۳۰ و ۳۳ و ۳۴، صص ۵-۳۸.

۲۵- (۱۳۷۴)، روند و نمودهای سلطه‌گری آمریکا در ایران، فصلنامه

مصباح، شماره ۱۵، صص ۳۳-۴۴.